خبر

روبیو:

فلسطین تنها در صورت رضایت اسرائیل می‌تواند به عنوان کشور وجود داشته باشد

وزیر امور خارجه ایالات متحده تصمیم اخیر چند کشور غربی برای به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان کشور مستقل را «کم‌اهمیت» دانسته و ادعا کرد کشور فلسطین بدون رضایت رژیم صهیونیستی نمی‌تواند موجودیت پیدا کند.

به گزارش ایسنا، «مارکو روبیو»، وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه‌ای ادعا کرد تصمیم اخیر چند کشور غربی برای به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان یک کشور مستقل «نامناسب» است.

روبیو در مصاحبه با شبکه «فاکس رادیو» گفت: «هیچ یک از این کشورها این توانایی را ندارند که یک کشور فلسطین ایجاد کنند. هیچ کشور فلسطینی تا زمانی که اسرائیل با آن موافقت کند نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

او مدعی شد: «آنها حتی نمی‌توانند به شما بگویند این کشور فلسطین کجا است. آنها نمی‌توانند به شما بگویند چه کسی بر آن حاکم خواهد بود. و در درجه سوم فکر می‌کنم که این کار زیانبار است.»

روبیو بدون اشاره به تداوم و تشدید جنایات رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان فلسطینی از جمله با تشدید بحران انسانی و گرسنگی در نوار غزه ادعا کرد کشورهای غربی که تصمیم به رسمیت بخشیدن به کشور فلسطین گرفته‌اند «در حالی که حماس ۲۰ نفر را هنوز به گروگان گرفته و اجساد حدود ۵۰ تن دیگر را در اختیار دارد از حماس جانبداری می‌کنند.»

او تصریح داشت: «طرفداری از تشکیل کشور فلسطین همان طرفداری از حماس است. پس شما دارید این پاداش را به وجود می‌آورید.»

این ادعاهای وزیر امور خارجه آمریکا در حالی مطرح شده‌اند که حامیان به رسمیت شناختن کشور فلسطین می‌گویند که این نه یک پاداش به حماس بلکه پیش شرطی برای صلح در منطقه است.

روبیو همچنین ادعا کرد تصمیمات اخیر این کشورها «به مذاکرات آتش‌بس که در جریان است آسیب می‌زند.»

او در ادامه ادعاهای خود گفت: «در موارد زیادی تصمیمات اخیر برای به رسمیت شناختن فلسطین واقعا مرتبط با سیاست داخلی آنها است و برخی کشورها با فشار داخلی مواجه هستند که صرف نظر از تبعات ژئوپلتیکی دست به جانبداری بزنند.»

روبیو ادامه داد: «آنها عملا دارند به آرمان آسیب می‌زنند و کمکی نمی‌کنند زیر بیانیه آنها قرار نیست چیزی را تغییر دهد و تنها باعث تشویق حماس می‌شود و به آن پاداش می‌دهد؛ حماسی که هر گونه دلیل موجود در جهان را دارد تا با یک آتش‌بس موافقت نکند و گروگان‌ها (اسرای صهیونیست) را آزاد نکند.»

روبیو گفت که از همه این کشورها می‌خواهد «به منظور تحت فشار گذاشتن حماس فورا متحد شوند تا ۲۰ گروگان زنده آزاد شوند.»

اظهارات روبیو بعد از آن مطرح می‌شوند که «امانوئل ماکرون»، رئیس جمهور فرانسه اواخر ماه ژوئن اعلام کرد تصمیم گرفته کشور فلسطین را به رسمیت بشناسد و قصد دارد در جریان نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر در نیویورک، اعلامیه رسمی برای این تصمیم صادر کند.

همچنین «مارک کارنی»، نخست وزیر کانادا و «کریستوفر کوتاجار»، مقام ارشد وزارت امور خارجه مالت اعلام کردند که آنها هم تصمیم گرفته‌اند فلسطین را به عنوان کشور مستقل به رسمیت‌بشناسند.

«کر استارمر»، نخست وزیر انگلیس هم اعلام کرد کشورش تصمیم دارد به صورت مشروط و در صورتی که رژیم صهیونیستی از برآورده کردن برخی شرایط کوتاهی کند، فلسطین را به عنوان کشور مستقل در جریان مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر به رسمیت بشناسد.

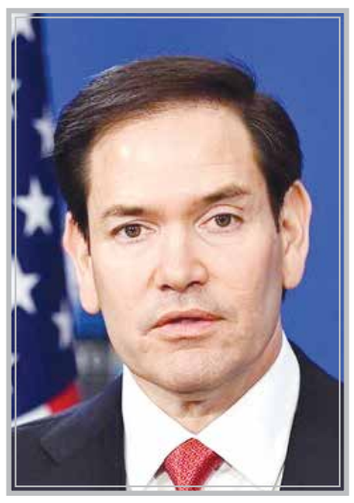

خزانه‌داری آمریکا زیرساخت‌های اقتصادی ایران را نشانه گرفت

تحریم یا جنگ؟

آمریکا در حالی از مذاکره با ایران سخن می‌گوید که هم‌زمان، شدیدترین تحریم‌ها از سال ۲۰۱۸ تاکنون علیه ایران را اعمال کرده و با همکاری رژیم صهیونیستی، به تأسیسات حیاتی ایران حمله کرده است؛ تحریم‌هایی که در ابعاد یک جنگ طراحی شده‌اند و بار دیگر دیپلماسی را به ابزار فشار بدل کرده‌اند.

آمریکا در حالی مدعی آمادگی برای مذاکره با ایران است که تنها در اواخر خردادماه، با هماهنگی رژیم صهیونیستی، به شکل مستقیم و غیرقانونی به زیرساخت‌های حیاتی کشور حمله کرد

ایالات متحده آمریکا در روزهای اخیر، یکی از بی‌سابقه‌ترین اقدامات تحریمی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را از زمان آغاز کارزار فشار حداکثری در سال ۲۰۱۸ اجرایی کرد؛ اقدامی که همزمان با پیام‌های آشکار برای مذاکره، و در بستر تجاوز مستقیم نظامی به زیرساخت‌های حیاتی ایران از جمله تأسیسات هسته‌ای، معنایی دوگانه اما آشکار دارد: استفاده از دیپلماسی به عنوان ابزار فشار، نه سازوکار کاهش تنش. واکاوی ابعاد سیاسی و راهبردی تحریم اخیر آمریکا و حملات نظامی هماهنگ‌شده با رژیم صهیونیستی نشان خواهد داد که پیشنهاد مذاکره در چنین وضعیتی، تکرار همان سناریویی است که در پنج دور پیشین نیز به شکست انجامید و اساساً نمی‌تواند مبنای گفت‌وگوی راه‌گشا قرار گیرد.

تحریم در قامت جنگ؛ تحریم‌های جدید، ابزار تخریب زیرساختی

تحریم اخیر وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه ۱۱۵ فرد، نهاد و کشتی مرتبط با ایران، از منظر طراحی، گستره و هدف‌گذاری، بیش از آنکه یک ابزار فشار اقتصادی متعارف باشد، یادآور عملیات نظامی‌ای است که با هدف مختل‌سازی ظرفیت حیاتی کشور طراحی شده است. اقدام خزانه‌داری آمریکا، که آن را «بزرگ‌ترین تحریم علیه ایران از سال ۲۰۱۸» توصیف کرده، مستقیماً زیرساخت‌های حیاتی ایران در حوزه صادرات انرژی، سیستم حمل‌ونقل دریایی و زنجیره درآمد ارزی کشور را هدف گرفته و عملاً با هدف قطع شریان اقتصادی ایران اجرا شده است؛ امری که دقیقاً با هدف حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان مشابهت راهبردی دارد. در هر دو حالت، هدف نهایی، تحمیل فروپاشی زیرساختی و تولید فشار روانی-اقتصادی بر مردم برای وادار کردن نظام سیاسی به تسلیم بی‌قید و شرط است؛ خواسته‌ای که دونالد ترامپ آن را آشکارا بیان کرده است.

تضاد میان دعوت به گفت‌وگو و همزمانی آن با تجاوز نظامی

آمریکا در حالی مدعی آمادگی برای مذاکره با ایران است که تنها در اواخر خردادماه، با هماهنگی رژیم صهیونیستی، به شکل مستقیم و غیرقانونی به زیرساخت‌های حیاتی کشور حمله کرد. در جریان این تجاوز، تأسیسات هسته‌ای، مراکز تحقیقاتی و برخی نقاط شهری در ایران هدف قرار گرفتند و شماری از دانشمندان و نظامیان و شهروندان عادی به شهادت رسیدند . همزمان، ادعای ویران‌سازی صنعت هسته‌ای ایران از سوی واشنگتن منتشر شد. این در حالی است که ایران در هفته‌های پیش از این حمله، حسن‌نیت خود را با ورود به مذاکرات غیر مستقیم نشان داده بود. اعمال تحریم های جدید پس از توافق اخیر ایران با اتحادیه اروپا وپذیرش سفر هیئت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران و گفتگو با کارشناسان این نهاد نیز مشابهت قابل توجهی با روند طی شده در گذشته دارد. نتیجه حسن‌نیت قبلی، حمله نظامی و نتیجه حسن نیت جدید نیز، اعمال شدیدترین تحریم‌ها شده است.

این روند نشان می‌دهد که آمریکا و غرب از «مذاکره» نه برای رسیدن به توافق، بلکه برای افزایش فشار، مدیریت هدفمند افکار عمومی و مشروع‌سازی اقدامات قهری خود استفاده می‌کند.

پنج دور مذاکره و یک نتیجه: خیانت در میانه راه

پیشنهاد مذاکره جدید ترامپ در حالی مطرح می‌شود که تجربه پنج دور گفت‌وگو میان ایران و آمریکا در ماه‌های اخیر به روشنی نشان داده است که طرف آمریکایی بارها مسیر گفت‌وگو را با اقدامات خصمانه، از جمله تحریم یا تهدید نظامی، به انحراف کشانده است. تجاوز نظامی اخیر درست در میانه آمادگی ایران برای دور ششم مذاکرات صورت گرفت؛ اتفاقی که حتی وزیر امور خارجه ایران نیز آن را نشانه‌ای از بی‌اعتباری گفتار آمریکایی‌ها دانست. عراقچی در مصاحبه اخیر خود با فایننشال تایمز تأکید کرده است که «آمریکا باید توضیح دهد که چرا در وسط مذاکرات به ما حمله کرد» و اینکه «تا زمانی که ترامپ خواستار توقف کامل غنی‌سازی باشد، هیچ توافقی امکان‌پذیر نیست». بنابراین، هرگونه بازگشت به میز مذاکره بدون تضمین‌های جدی و جبران خسارت‌ها، تکرار یک مسیر شکست‌خورده است.

تحریم و حمله؛ دو روی یک سکه در راهبرد ترامپ

راهبرد جدید دولت ترامپ، تلفیقی از اقدامات سخت‌افزاری و جنگ اقتصادی است که هر دو، مکمل یکدیگر برای اعمال فشار حداکثری هستند. همان‌گونه که بمب های آمریکایی تأسیسات فردو ، نطنز و اصفهان را هدف گرفتند، شبکه تحریم‌های اخیر نیز شریان صادرات انرژی ایران را نشانه رفتند.

در چنین وضعیتی، آمریکا در تلاش است تا با استفاده هم‌زمان از ابزار نظامی، تحریم و مذاکره، تهران را در وضعیت محاصره روانی قرار داده و آن را به پذیرش شروط خود وادار کند.

ایران اما نشان داده که هیچگاه بازیگر منفعل و دست بسته نخواهد بود و چه در میدان جنگ و چه در میدان دیپلماسی با قدرت حضور خواهد یافت. پاسخ نظامی سریع و غیر قابل باور ایران به تجاوز اسرائیل و حمله موشکی موثر به پایگاه آمریکایی العدید در قطر در پاسخ به تجاوز آمریکا، ضمن آن که هزینه‌های قابل توجهی برای تل‌آویو و واشنگتن بدنبال داشت این واقعیت را در معرض نگاه جهانیان قرار داد که زبان تهدید و زور تاثیری بر اراده مردم ایران برای دفاع از حقوق و منافع مشروعشان نداشته و هرگز موجب تسلیم آنها در برابر ارباب قلدری و زیاده خواهی نخواهد شد.

نقش فریب‌کارانه دیپلماسی در راهبرد آمریکا

واقعیت آن است که آمریکا از ابزار دیپلماسی تنها برای خرید زمان، کنترل افکار عمومی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات خصمانه خود استفاده می‌کند. تجربه رفتار آمریکا با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برخورد با توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، و نهایتاً حمله در میانه مذاکرات، مؤید این مدعاست که واشنگتن نه به کاهش تنش، بلکه به تسلیم یک‌جانبه تهران می‌اندیشد. پیشنهاد مذاکرات جدید که از سوی ترامپ با لحن دوگانه "امیدوارم مجبور نباشم خیلی از آن استفاده کنم" همراه شده، بیش از آنکه حاکی از جدیت در مسیر دیپلماسی باشد، بخشی از یک طراحی روانی-سیاسی برای وارد ساختن فشار بیشتر بر ایران است.

راه گفت‌وگو از مسیر تغییر رفتار آمریکا می‌گذرد

جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که در دوران پس از جنگ اخیر نشان داده، آمادگی دارد تا در چارچوب احترام متقابل، حقوق بین‌الملل و حفظ منافع ملی خود، وارد گفت‌وگو شود. اما این گفت‌وگو تنها زمانی معنا خواهد داشت که طرف مقابل، رفتار دوگانه خود را کنار بگذارد، خسارات واردشده به ایران را جبران کند، و تضمین دهد که مذاکره دوباره به عرصه‌ای برای خیانت و حمله تبدیل نخواهد شد. تا زمانی که واشنگتن، دیپلماسی را با تحریم و موشک تلفیق می‌کند، راهی به سوی توافق وجود نخواهد داشت. پیام روشن ایران این است: نه مذاکره زیر آتش، نه تسلیم در برابر زور. تنها راه پیش رو، بازگشت به اصول گفت‌وگو، احترام به حاکمیت ملی و کنار گذاشتن سیاست‌های خصمانه است؛ راهی که تاکنون از سوی آمریکا، عمداً مسدود شده است.

از سوی ظریف مطرح شد

«مناره»؛ طرح اتمی جدید برای خاورمیانه

«دکتر محمد جواد ظریف» وزیر خارجه پیشین ایران و «محسن بهاروند» سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در بریتانیا طی یادداشتی مشترک در روزنامه انگلیسی گاردین به تشریح یک طرح اتمی جدید در خاورمیانه با عنوان "مناره" پرداختند.

به گزارش روز پنجشنبه ایرنا، متن این یادداشت به شرح ذیل است:

ده سال پیش، پس از توافق هسته‌ای ایران، در گاردین در مورد نیاز فوری به خلع سلاح هسته‌ای جهانی - با شروع از ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه - نوشتم. یک دهه بعد، در حالی که منطقه ما در لبه فاجعه قرار دارد، این درخواست دیگر نه تنها شایسته - بلکه ضروری است. این پیشنهاد، ابتکار جدیدی از سوی ایران نبود. در سال ۱۹۷۴، ایران پیشنهاد ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه را در سازمان ملل متحد مطرح کرد و به سرعت مصر نیز به آن پیوست. این پیشنهاد با اکثریت قاطع آرا در مجمع عمومی تصویب شد. پس از استفاده صدام از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ ایران و عراق، این ابتکار در سال ۱۹۹۰ گسترش یافت تا همه سلاح‌های کشتار جمعی را پوشش دهد. اما به مدت نیم قرن، پیشرفت توسط اسرائیل و حامی اصلی آن، ایالات متحده، مسدود شده است. این فلج شدن تصادفی نیست. با وجود حمایت‌های سالانه چشمگیر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تعهدات مکرر در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، خاورمیانه همچنان یکی از تنها مناطق روی زمین است که چارچوب عاری از سلاح‌های هسته‌ای ندارد. بیش از ۱۰۰ کشور غیرمتعهد در کنفرانس بررسی و تمدید NPT در سال ۱۹۹۵، پیشرفت در جهت ایجاد چنین منطقه‌ای را شرط تمدید نامحدود این معاهده قرار دادند. با این حال، ۳۰ سال بعد، تغییر چندانی رخ نداده است. در واقع، وضعیت رو به وخامت گذاشته است و نشان می‌دهد که اگرچه داشتن سلاح‌های هسته‌ای معمولاً منجر به ماجراجویی‌های بی‌ملاحظه می‌شود، اما چنین سلاح‌هایی به هیچ وجه موفقیت، شکست‌ناپذیری یا ایمنی را برای شهروندان تضمین نمی‌کنند. اقدام نظامی غیرقانونی اخیر اسرائیل مسلح به سلاح هسته‌ای - که عضو NPT نیست - علیه تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی ایران، منطقه ما را به طرز خطرناکی به ورطه نابودی کشانده است.

شکست اسرائیل در دستیابی به اهداف ناموجه خود و ناتوانی ایالات متحده در به زانو درآوردن ایران، می‌توانست و هنوز هم می‌تواند این منطقه و به تبع آن کل جهان را در یک جنگ ابدی فرو ببرد. دیگر بس است. ما باید آینده امنیت منطقه خود را به دست خود بگیریم. وقت آن رسیده است که خاورمیانه و شمال آفریقا از لفاظی‌های توخالی فراتر رفته و به سمت همکاری منطقه‌ای واقعی - همکاری مبتنی بر احترام متقابل و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای - حرکت کنند. به همین دلیل است که ما ایجاد شبکه خاورمیانه برای تحقیقات و پیشرفت اتمی که حروف اول کلمات آن واژه مناره را شکل می‌دهند پیشنهاد می‌کنیم که به درستی به معنای فانوس در زبان عربی است.

مناره یک نهاد منطقه‌ای خواهد بود که برای تسهیل همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز بین اعضای آن طراحی شده است. این شبکه برای همه کشورهای واجد شرایط در خاورمیانه و شمال آفریقا برای پیوستن باز است و کشورها باید تولید یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را رد کرده و متعهد به تأیید متقابل پایبندی خود شوند. در عوض، مناره به آنها کمک می‌کند تا از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، از جمله تولید انرژی، پزشکی، کشاورزی و تحقیقات علمی، بهره‌مند شوند. چنین نهادی جایگزین خلع سلاح نیست - بلکه گامی به سوی آن است. همکاری هسته‌ای منطقه‌ای، با پادمان‌های قوی و نظارت متقابل، می‌تواند عدم اشاعه را تقویت کرده و امنیت انرژی را بدون ایجاد نظامی‌گری افزایش دهد.

مدت‌هاست که استدلال می‌شود پیشرفت در خلع سلاح منطقه‌ای باید منتظر خلع سلاح اسرائیل باشد. اما رژیمی که با ارتکاب جنایات بین‌المللی مانند آپارتاید، نسل‌کشی و اخیراً گرسنگی گسترده، هیچ احترامی برای مشروعیت بین‌المللی قائل نبوده است، به سختی تحت تأثیر این فشار منفی قرار خواهد گرفت - مطمئناً بیش از ۵۰ سال است که چنین نبوده و زرادخانه هسته‌ای خطرناک آن، بزرگترین تهدید برای عدم اشاعه بین‌المللی و صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی بوده و خواهد بود. گروگان گرفتن صدها میلیون نفر در زرادخانه هسته‌ای یک رژیم غیرپاسخگو، نسخه‌ای برای بی‌ثباتی دائمی است. ما باید راه جدیدی برای پیشرفت پیدا کنیم.

"مناره" همچنین به تغییر چارچوب بحث هسته‌ای در منطقه کمک خواهد کرد. برای مدت طولانی، مسائل هسته‌ای صرفاً از دیدگاه خطر و تهدید مطرح شده‌اند. اما علم هسته‌ای همچنین راه‌حل‌هایی را برای بحران آب و هوا، کمبود آب، امنیت غذایی و تنوع انرژی ارائه می‌دهد. با کاهش ذخایر نفت و گاز، انرژی هسته‌ای برای رشد و پایداری منطقه‌ای حیاتی خواهد بود. مناره می‌تواند این آینده را به یک واقعیت مشترک و امن تبدیل کند. نحوه کار آن به این صورت است. مناره تحقیق، آموزش و توسعه را در سراسر کشورهای عضو هماهنگ خواهد کرد. این شبکه از سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه‌هایی از غنی‌سازی اورانیوم و مدیریت پسماند گرفته تا همجوشی هسته‌ای و پزشکی حمایت می‌کند. اعضا از طریق یک هیئت نظارتی مشترک، امکانات و تخصص خود را به اشتراک می‌گذارند و شفافیت را تضمین می‌کنند. میزان مشارکت متناسب با ظرفیت هر کشور خواهد بود، اما هر عضو سود خواهد برد. دفتر مرکزی این شبکه در یکی از کشورهای شرکت‌کننده خواهد بود و دفاتر فرعی و احتمالاً تأسیسات غنی‌سازی مشترک در سایر کشورها وجود خواهد داشت. نظارت توسط هیئت مدیره‌ای متشکل از نمایندگان ملی انجام خواهد شد و ناظران بین‌المللی از سازمان ملل متحد، شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز برای شرکت در آن دعوت می‌شوند. از همه مهمتر، مناره شامل پادمان‌های متقابل قوی برای جلوگیری از انحراف مواد برای استفاده نظامی خواهد بود.

امروز، بیش از هر زمان دیگری، ما در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با آگاهی جمعی از تصویر وحشتناک آینده خود، مگر اینکه از این لحظه استفاده کنیم، از خواب بیدار شده‌ایم. ما می‌دانیم که بی‌اعتمادی در منطقه ما ریشه عمیقی دارد. ایران و دیگران نیز نارضایتی‌های خود را دارند. اما گذشته نباید سرنوشت ما را تعیین کند. ما از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا می‌خواهیم که مناره را تأیید کنند و مذاکرات رسمی در مورد ساختار، اختیارات و معیارهای عضویت آن را آغاز کنند. یک اجلاس منطقه‌ای - تحت نظارت سازمان ملل متحد و با حمایت قدرت‌های جهانی - می‌تواند پایه و اساس آن را بنا نهد. چنین اقدامی نه تنها خطر درگیری هسته‌ای را کاهش می‌دهد، بلکه الگویی برای همکاری در جهانی از هم گسیخته ارائه می‌دهد. وضعیت موجود ناپایدار است. کابوس تشدید تنش و پتانسیل ذاتی آن برای اشاعه سلاح‌های هسته‌ای دیگر فرضی نیست؛ به طرز خطرناکی نزدیک به واقعیت است. اما هنوز زمان برای انتخاب مسیری متفاوت وجود دارد. مناره می‌تواند چراغ راهی باشد که ما را به سوی آینده‌ای هدایت کند که در آن خاورمیانه دیگر میدان نبرد برای تهدید هسته‌ای نباشد، بلکه پیشتاز صلح، پیشرفت و انرژی مسئولانه باشد. زمان اقدام اکنون است.

اخبار

سفر ویتکاف به غزه

فرستاده آمریکا به خاورمیانه امروز جمعه سفر خود را به نوار غزه به همراه سفیر آمریکا در اراضی اشغالی آغاز کرد.

به گزارش ایسنا، کانال ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی صبح روز جمعه گزارش داد «استیو ویتکاف» فرستاده آمریکا به خاورمیانه و «مایک هاکبی» سفیر آمریکا در اراضی اشغالی وارد شهر رفح در جنوب نوار غزه شدند.

طبق گزارش اسپوتنیک، خودروهای حامل ویتکاف و هاکبی به نقطه توزیع کمک‌های بشردوستانه در شهر رفح رسیدند.

قرار است ویتکاف از مرکز توزیع کمک‌های بشردوستانه در شهر رفح بازدید کند.

وی بعد از این سفر گزارشی را درباره مشاهدات خود به «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا ارائه خواهد کرد.

این گزارش اساس ساختار استراتژی جدید برای توزیع غذا و کمک‌های بشردوستانه در میان ساکنان نوار غزه خواهد بود.

سفر ویتکاف در حالی صورت گرفته که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اندکی پس از ورود نماینده‌اش به غزه در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: «سریع‌ترین راه برای پایان دادن به بحران‌های انسانی در غزه، تسلیم شدن حماس و آزاد کردن گروگان‌هاست.»

سازمان ملل اعلام کرده است که از اواخر ماه مه تاکنون بیش از ۱۳۰۰ فلسطینی در تلاش برای دریافت کمک غذایی در غزه کشته شده‌اند.

به گفته این سازمان، از این تعداد، دست‌کم ۸۵۹ نفر در اطراف یکی از چهار مرکز توزیع «بنیاد بشردوستانه غزه» کشته شده‌اند. این مراکز را پیمان‌کاران امنیتی خصوصی آمریکایی اداره می‌کنند و در مناطق تحت کنترل نظامی رژیم صهیونیستی قرار دارند.

هم‌زمان سفر ویتکاف به غزه با انتقاد گسترده ساکنان غزه همراه شده است. آن‌ها دولت آمریکا را متهم می‌کنند که با این سفر، قصد دارد نقش خود را در فاجعه انسانی کنونی پنهان کند.

سازمان ملل:

بیش از ۵۰۰ هزار نفر در غزه با خطر مرگ به خاطر گرسنگی مواجه هستند

صندوق جمعیت سازمان ملل تاکید کرد بیش از ۵۰۰ هزار نفر در نوار غزه با خطر مرگ به خاطر گرسنگی مواجه هستند.

به گزارش ایسنا، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد اعلام کرد: گرسنگی در در نوار غزه گسترش یافته و بیش از ۵۰۰ هزار نفر با خطر مرگ به خاطر گرسنگی مواجه هستند.

این مرکز اعلام کرد: زنان باردار، شیرخواران و کودکان در غزه به دلیل گرسنگی و فروپاشی خدمات بهداشتی و تغذیه در حال از دست دادن جان خود هستند.

از سوی دیگر جمعیت عشایر غزه در بیانیه‌ای اعلام کرد: مراکز توزیع کمک‌های اسرائیل و آمریکا کمک‌هایی آغشته به خون به ما ارائه می‌کنند و ما تعامل با آنها را رد می‌کنیم. کمک‌هایی که وارد نوار غزه می‌شود هیچ کدام از ساکنان از آن استفاده نکرده است و با اقدامات دشمن و هماهنگی آن سرقت شده است.

جمعیت عشایر غزه اعلام کرد: ما از آزادگان جهان و فرستاده آمریکا می‌خواهیم به اینجا بیایند تا واقعیت فاجعه بار را ببینند. هر روز حدود ۹۰ فلسطینی به شهادت می‌رسند.

همچنین مدیر امدادرسانی پزشکی در غزه به الجزیره گفت: دزدانی که با رژیم اشغالگر همدست هستند کمک‌ها را سرقت می‌کنند. گرسنگی منجر به بیماری‌های مزمن و خطرناک بین کودکان شده است. امکانات ما محدود است و با کمبود شدید غذا و دارو مواجه هستیم. کمک‌هایی که از طریق هوایی ارسال می‌شود بسیار محدود است و بیشتر آن در مناطق ممنوعه می‌افتد. همچنین مدیر شبکه سازمان‌های داخلی در غزه گفت: رژیم اشغالگر جامعه بین‌المللی را فریب می‌دهد و مانع ورود کمک‌های بشردوستانه می‌شود. پایان دادن به گرسنگی از طریق بازگشایی گذرگاه‌ها و ورود کمک‌ها ممکن است.

وی گفت: رژیم اشغالگر به دنبال تشدید آشوب در نوار غزه است. ما از رژیم اشغالگر می‌خواهیم مسیرهای امن را برای رساندن کمک‌ها باز کند.

ادعای ترامپ:

ایران بسیار بد عمل کرده است

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا بار دیگر با تکرار ادعاهای خود درباره تاسیسات هسته ای ایران در پی حمله واشنگتن و اظهارات ضد و نقیض خود مدعی شد که ایران «بسیار بد عمل کرده است» و می تواند دوباره غنی سازی را شروع کند.

به گزارش ایرنا، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا عصر پنجشنبه به وقت محلی در در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا قصد دارید بار دیگر وارد تعامل دیپلماتیک با ایران شوید و مستقیماً با آنان گفتگو کنید، یا از وضعیت کنونی (عدم وجود توافق با ایران) راضی هستید؟ پاسخ داد: ایران بسیار بد عمل کرده است. رئیس جمهوری آمریکا بار دیگر ادعا کرد که حملات اخیر ایالات متحده، تاسیسات هسته‌ای ایران را "نابود" و "ویران" کرده است.

او مدعی شد: توان بالقوه هسته‌ای ایران ، چیزی که می‌توانست ظرف سه یا چهار هفته به وقوع بپیوندد، نابود شده است. کمیسیون انرژی اتمی اعلام کرده که آنجا کاملاً ویران شده است. حالا ممکن است دوباره شروع کنند، اما این بار باید در تاسیسات متفاوتی شروع کنند چون تاسیسات قبلی هدف قرار گرفتند.

وی بار دیگر با تکرار ادعاها درباره قدرت و دقت حملات آمریکا در حمله به تاسیسات هسته ای ایران ادعا کرد: «آنها می‌توانند دوباره (غنی سازی را) شروع کنند، اما حرف‌های درستی نمی‌زنند. باید بگویم ایران حرف‌های درستی نمی‌زند و رفتار مناسبی ندارد.»

رئیس جمهوری آمریکا ۶ مرداد ماه نیز در دیدار با کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس در اسکاتلند در سخنانی با تکرار ادعاهای ضد ایرانی خود مدعی شد: «آنها (ایران) پیام های بسیار بد و ناخوشایندی فرستاده‌اند. و نباید این کار را بکنند. آنها در مورد مسائلی صحبت کردند که نباید می‌کردند. وزیر خارجه آنها اخیرا مصاحبه‌ای کرده و حرف‌هایی زده که نباید می‌زد ما قابلیت‌های هسته‌ای آنها را از بین بردیم. آنها می‌توانند دوباره شروع کنند. ولی اگر این کار را بکنند، ما آن را سریعتر از تکان دادن انگشت، محو خواهیم کرد».

رئیس جمهوری آمریکا با تکرار این ادعا که «ما (واشنگتن) توان هسته‌ای ایران را از بین بردیم»، تهدید کرد: «آنها می‌توانند دوباره شروع کنند، ولی اگر این کار را بکنند، به سرعت آن را دوباره نابود می‌کنیم و این کار را با رضایت و به‌صورت آشکار انجام خواهیم داد.»

رئیس جمهوری آمریکا همچنین درباره شکست مذاکرات آتش بس غزه در دوحه قطر مدعی شد: «فکر می‌کنم ایران در این دور از مذاکرات غزه دخالت کرده و به حماس پیام و دستور داده و این اصلا خوب نیست.»

برغم پنج دور برگزاری مذاکره غیرمستقیم میان ایران و آمریکا و ادعاهای ترامپ و دولتش مبنی بر رویکرد دیپلماسی در قبال ایران، رژیم صهیونیستی با هماهنگی و چراغ سبز آمریکا روز ۲۳ خردادماه با نقض آشکار حقوق بین‌الملل و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران، و در حالیکه تهران برای دور ششم مذاکرات غیر مستقیم با واشنگتن آماده بود، مناطقی در تهران و برخی دیگر از شهرها از جمله تأسیسات هسته‌ای کشور را هدف حمله نظامی قرار داد. در این اقدام تروریستی، شماری از دانشمندان، نظامیان و شهروندان غیرنظامی به شهادت رسیدند.

در پی ناکامی رژیم صهیونیستی در رسیدن به اهدافش در تجاوز به خاک ایران، ایالات متحده آمریکا بامداد یکشنبه اول تیرماه به این تجاوز پیوست و به تاسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان حمله کرد.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نه تنها تجاوز رژیم اسرائیل به خاک ایران را پاسخ دادند بلکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوم تیرماه در بیانیه ای اعلام کرد که در پی تجاوز آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران و نقض صریح حقوق بین‌الملل، با تدبیر شورای عالی امنیت ملی و راهبری قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) در عملیات بشارت فتح پایگاه العدید قطر را هدف تهاجم ویرانگر و

قدرتمند موشکی قرار داد که مقر سرفرماندهی نیروی هوایی و بزرگترین دارایی راهبردی ارتش آمریکا در منطقه است.